

سبک‌شناسی اشعار اخوان ثالث درباره جنگ تحمیلی؛ با تکیه بر سطح فکری

رضا زرین کمر*

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۲

محمد مهدی سیار**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۲۳

چکیده

شاعرانی که درباره جنگ تحمیلی سروده‌اند؛ به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول شاعران برآمده و متأثر از جریان انقلاب اسلامی هستند که حیات ادبی و هنری آن‌ها در دوران انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی شکل گرفته و یا برجسته شده است. دسته دوم را شاعرانی تشکیل می‌دهند که پیش از انقلاب اسلامی شهرت و نام قابل توجهی داشتند و به ضرورت و احساس وظیفه درباره جنگ تحمیلی سروده‌اند. مهدی/اخوان ثالث از دسته دوم است. او پیش از انقلاب اسلامی، شاعری صاحب سبک و برجسته بود و با آغاز جنگ، زبان حماسی و هنری شاعری خود را برای نجات کشور از تجاوز بیگانه به کار گرفت. این پژوهش به بررسی اشعار/اخوان ثالث درباره جنگ تحمیلی می‌پردازد و از منظر سبک‌شناسی- با تکیه بر سطح فکری- آن‌ها را تحلیل می‌کند. دستاورد پژوهش ناظر بر آن است که/اخوان، به عنوان شاعری ایران‌دوست و پیش‌کسوت، به رغم اختلاف نظرهایی که از نظر آیینی و سیاسی با گفتمان مسلط و شاعران جریان انقلاب اسلامی داشت، در اشعار جنگی خود تا حد قابل ملاحظه‌ای به الگوی هویتی مطلوب حاکمیت نزدیک می‌شود.

کلیدواژگان: اخوان ثالث، سبک‌شناسی، شعر جنگ تحمیلی، هویت ایرانی- اسلامی.

مقدمه

در آخرین روز تابستان سال ۱۳۵۹ش، با یورش رژیم بعث عراق به ایران، دورانی تازه از تاریخ پرحادثه این سرزمین آغاز شد. گرچه ایرانیان به خاطر جغرافیای خاص و سرگذشت پرماجرا، جنگ و ستیز را به خوبی می‌شناختند، در جریان جنگ تحمیلی با تجربه‌ای بدیع و بی‌نظیر مواجه شدند. ایران که به تازگی انقلاب اسلامی را تجربه کرده بود و رژیمی جدید و جوان داشت، برای یورش کشور همسایه آماده نبود؛ از این رو رژیم بعث، در مدتی کوتاه بخش وسیعی از ایران را تصرف کرد. در این جنگ، تمامی قدرت‌های شرق و غرب، در کنار رژیم صدام قرار گرفتند در حالی که حامیان ایران، کشورهای اندک و ناتوان بودند. جنگ نابرابر ایران و عراق، با رشادت، ایثار و از خودگذشتگی ایرانیان، بدون از دست دادن یک وجب از خاک، به پایان رسید؛ البته این پیروزی بهایی سنگین داشت و سرمایه‌های انسانی و مادی بسیاری را از ایران گرفت.

جنگ تحمیلی با همه آسیب‌ها و مصائب، دستاوردهای قابل توجه نیز داشت. یکی از آن دستاوردها، شکل‌گیری جریان‌ی نیرومند در ادبیات فارسی است. ادبیات جنگ تحمیلی، توانست به عنوان جریان‌ی نیرومند و مؤثر، نقش مهمی در تقویت روحیه مردم و رزمندگان و کاستن از دردها و سختی‌های جنگ ایفا کند. جریان ادبیات دفاع مقدس، توانست موج جدیدی از شاعران را به عرصه بیاورد و خونی تازه در رگ‌های ادبیات فارسی تزریق نماید؛ با این حال، شعر دفاع مقدس محدود به شاعران جوان نبود، بسیاری از شاعران پیش‌کسوت و نام‌دار نیز در شرایط دشوار جنگی به میدان آمدند و هنر و توانشان را در راستای اهداف کشور قرار دادند و بدین وسیله نقشی در ایثار و فداکاری ایرانیان ایفا کردند.

از میان شاعران پیش‌کسوت مهدی/خوان ثالث حضوری ملموس و مؤثر در ادبیات جنگ تحمیلی داشت. /خوان گرچه در سال‌های جنگ از بیماری رنج می‌برد و وضعیت روحی و جسمی مناسبی نداشت، از زبان حماسی و استعداد شاعری بی‌تکرارش برای تقویت روحیه ایرانیان، کوبیدن دشمن متجاوز و نمایاندن چهره زشت جنگ بهره برد. /خوان در همه عمر شاعری سیاسی و متعهد بود. او گرچه مانند بعضی شاعران شاخص دوران جنگ، همراهی تمام‌عیار و کاملی با آرمان‌های نظام مستقر نداشت، برای حفظ

کشور از شر دشمن، همراهی و هم‌گامی ستودنی و قابل توجهی با گفتمان رسمی و مسلط نشان داد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری که درباره شعر دوران جنگ تحمیلی و مهدی/اخوان ثالث انجام شده است. برای نمونه مقاله «مؤلفه‌های تصویر در غزل دفاع مقدس» در سال ۱۳۹۸ش توسط حسن ذوالفقاری و آمنه رستمی نوشته شده است که به تحلیل سبک چند غزل‌سرای شاخص جریان شعر دفاع مقدس می‌پردازد. همچنین مقاله «نگاهی به سبک اشعار نیمایی مهدی اخوان ثالث و تحولات عروض آن» در سال ۱۳۸۹ش توسط عباس ماهیار و کامیار شاه‌مردیان، اشعار نیمایی/اخوان را از منظر سبک‌شناسی تحلیل می‌کند. با این حال، پژوهش مستقلی که به تحلیل اشعار/اخوان در باب جنگ تحمیلی و بررسی ویژگی‌های سبکی آن‌ها بپردازد، یافت نشد.

سبک‌شناسی

سبک‌شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های مهم مطالعات ادبی در قرن بیستم میلادی مطرح شد. گرچه تعریف دقیق و مورد اتفاقی برای سبک‌شناسی وجود ندارد، این حوزه گسترده و کاربردی مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و مخاطبان ادبیات است. سبک‌شناسی مرزهای واضحی با دیگر حوزه‌های علوم ادبی ندارد و «در بسیاری از موارد با انواع ادبی و نقد ادبی در هم می‌آمیزد» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۳۴۶).

مطالعات سبک‌شناسی در ایران با کار سترگ و ماندگار ملک الشعرای بهار آغاز شد؛ پیش از آن «سبک‌شناسی به معنی حقیقی خود در ایران سابقه‌ای نداشته است» (بهار، ۱۳۸۱: ۱۹). پس از آن، رفته‌رفته توجه اساتید و علاقه‌مندان ادبیات فارسی به سبک‌شناسی جلب شد و در سالیان اخیر، با رشد مطالعات جدید در حوزه ادب فارسی، سبک‌شناسی مورد اقبال بسیاری قرار گرفته است.

مطالعات سبک‌شناسی به دسته‌ها و نحله‌های گوناگونی تقسیم می‌شود که در ضمن شباهت، تفاوت‌های رویکردی و نظری دارند؛ برای نمونه زبان‌شناسان در مطالعات

سبک شناسانه خویش توجهی به محتوا ندارند و این بخش مهم از متن را مورد بررسی قرار نمی‌دهند (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵). در عین حال رویکردهای متعدد دیگری به سبک شناسی وجود دارد که فراتر از فرم و صورت به متن می‌نگرد: «سبک در خلأ پدید نمی‌آید، بلکه تولید، هدف و تأثیر آن وابسته به بافتی مشخص است که نویسنده و خواننده هر دو در آن نقش خود را بازی می‌کنند. باید میان دو نوع بافت تمایز قایل بشویم: بافت زبانی و بافت غیر زبانی. بافت غیر زبانی مفهوم بسیار پیچیده‌تری است زیرا هر ویژگی برون‌متنی مؤثر بر زبان و سبک متن را در بر می‌گیرد» (وردانک، ۱۳۸۹: ۲۷).

با توجه به گستردگی و جامع بودن مطالعات سبک‌شناسانه، نیاز به الگوهایی کاربردی و قابل اتکا در این حوزه احساس می‌شود. سیروس شمیسا الگویی مناسب و کاربردی برای سبک‌شناسی عملی پیشنهاد کرده که مورد توجه بسیاری از پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است (نک: شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۳-۱۸۲). بر اساس دسته‌بندی ذکرشده، مطالعات سبک‌شناسی به سه سطح زبانی، ادبی و فکری تقسیم می‌شوند؛ دو سطح اول بیش‌تر مرتبط با صورت متن‌اند و سطح فکری در پیوند با محتوا است. در دسته‌بندی شمیسا، ویژگی‌های آوایی، لغوی و نحوی در سطح زبانی، ویژگی‌های مرتبط با علوم بیان و معانی در سطح ادبی و ویژگی‌های نظری و گفتمانی در سطح فکری مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

اخوان ثالث و شعر جنگ تحمیلی

مهدی *اخوان ثالث* (۱۳۰۷-۱۳۶۹ش) از برجسته‌ترین شاعران معاصر فارسی‌زبان است. او علاوه بر آنکه آشنایی عمیقی با سنت هزار ساله شعر فارسی داشت، از نخستین و موفق‌ترین پیروان *نیما* در سرودن شعر نو و تکمیل‌کنندگان *کار نیما* بود (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۱۱۸). *اخوان* توانست با بهره‌گیری از میراث گرانقدر شعر فارسی و آزادی‌های سرایش شعر نو، آثاری جاودان و ماندگار بر دفتر فرهنگ و ادب ایران بیفزاید؛ آثاری که از یک سو اصالت هزار ساله داشت و از سوی دیگر بوی تازگی و نوینی می‌داد: «مهدی اخوان ثالث منبع تغذیه هنر معاصر را سنت و تاریخ و فرهنگ آن جامعه می‌داند و به همین دلیل است که می‌گوید: بهترین شاعران ما آن‌ها هستند که با فرهنگ گذشته

خود ارتباط دارند» (پریز و عزیزی مراد، ۱۳۹۷: ۱۸). گرچه اشعار/اخوان ارزش سبک‌شناسانه بسیاری دارند و او شاعری صاحب سبک و ویژه است، این پژوهش بر مطالعه سبک‌شناسی اشعار/اخوان در سطح فکری تمرکز می‌کند؛ این تمرکز دو علت اصلی دارد:

الف) شعر- به صورت کلی هنر- جنگ تحمیلی، بیش از آنکه دل‌مشغول صورت باشد، در بند محتوا است. این حکم درباره هنر و شعری که در زمان وقوع جنگ ساخته و پرداخته می‌شود، بیش‌تر صدق می‌کند. طبیعتاً زمانی که کشور درگیر مصیبت و گرفتاری جنگ است، هنرمند توجه خویش را معطوف بر برانگیزاندن انگیزه‌های دفاع، تحکیم روحیه مردم و پیشبرد اهداف جنگ می‌کند و از توجهش به صورت کاسته می‌شود؛ ادبیات جنگ تحمیلی نیز مشمول این حکم است؛ در هنر دوران جنگ تحمیلی «عنصر مضمون و درونمایه مورد تأکید قرار گرفت و آنچه‌ان توجهی به ساختار نشد» (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۲۵). بر این اساس، سبک شعر دفاع مقدس بیش‌تر با محتوا مرتبط است تا صورت؛ از این رو، مطالعه سطح فکری شعر در آن دوران، بیش از سطوح ادبی و زبانی اهمیت دارد.

ب) اخوان با آنکه در قرن حاضر می‌زیست و شعرش درگیر وقایع و مسائل روز بود، سبکی شبیه به سبک خراسانی داشت (یا حقی، ۱۳۸۸: ۹۳). زبان حماسی، نحو و واژه‌گزینی باستان‌گرایانه و اوزان سنگین، از ویژگی‌های مهم سبکی/اخوان است: «آنچه شیوه اخوان را از شیوه دیگر نوپردازان جدا می‌کند، زبان استوار و حماسی او است. در جایی که موضوع شعر مقتضی زبان حماسی نیست، زبان او به بیان حماسی گرایش دارد. جایی که موضوع شعر حماسی است، بیان حماسی او به اوج می‌رسد» (سبحانی، ۱۳۹۵: ۶۴۵). مهدی/اخوان ثالث توانست با بهره‌گیری از ویژگی‌های سبکی خویش، شاعری ویژه و متمایز از دیگران گردد. در شعرهای مرتبط با جنگ تحمیلی، سبک ادبی و زبانی/اخوان تغییر و تفاوت محسوسی ندارد؛ در واقع اگر سبک‌شناسی را به سطح زبانی و ادبی محدود کنیم، میان اشعار دهه ۱۳۳۰ش و اشعار/اخوان درباره جنگ، تفاوت چشمگیری نیست. آنچه میان شعرهای مرتبط با جنگ و سبک آشنای/اخوان تفاوت ایجاد می‌کند، بررسی در سطح فکری است.

سطح فکری در سبک شناسی شعر دفاع مقدس

سطح فکری اشعار دفاع مقدس، نقطه قوت و تمایز در سبک شناسی آن است. شاعران در زمان جنگ، برای تشویق رزمندگان، روحیه بخشی به مردم و تضعیف دشمن، اقدام به سرودن اشعاری حماسی و تشویقی می کردند؛ آنان می کوشیدند تا با تحریک مخاطبان، توجه آنان را به اهمیت جنگ جلب کنند و زمینه ایثار و فداکاری بیش تر را فراهم آورند. شاعران دفاع مقدس نیز با تکیه بر هویت ایرانی- اسلامی انگیزه و نیروی بسیاری برای ایثارگران جبهه و پشت جبهه ایجاد کردند. آنان کوشیدند تا علائق ملی و دینی مردم را تقویت کنند تا آنان برای نجات کشور و آرمان های خویش، از هیچ گونه فداکاری و از خودگذشتگی مضایقه ننمایند.

تکیه بر هویت ایرانی- اسلامی، اصلی ترین مؤلفه در سطح فکری سبک ادبی دوران دفاع مقدس است. همه آرمان های اصلی ادبیات دفاع مقدس مانند فداکاری در راه وطن و دین، از بین بردن مستکبرین و مبارزه با ظلم در قالب این گفتمان هویتی قابل جمع هستند. منظور از هویت ایرانی- اسلامی، هویتی است که از عصر سامانیان در اواخر قرن سوم هجری قمری طرح ریزی شد و کمابیش در تاریخ ایران به پیش آمد تا به روزگار ما رسید. این گفتمان هویتی بر دو عنصر ملیت ایرانی و دیانت اسلام (از عصر صفوی: مذهب تشیع) استوار است. با حذف هر یک از این مؤلفه ها، هویت ایرانی- اسلامی از میان می رود و به چیز دیگری تبدیل می شود.

ایرانیان از دیرباز نوعی هویت ملی برای خود قائل بودند؛ این هویت گرچه با مفهوم مدرن از هویت ملی و ناسیونالیسم این همان نیست، اما شباهت های مهم و قابل اتکایی به دریافت نوین از هویت ملی دارد. ریشه هویت ایرانی به دوران پیش از اسلام- حداقل آغاز عصر ساسانی- باز می گردد اما احیای آن در دوران اسلامی، موجب تجدید حیات فرهنگی و تمدنی ایران شد. از سوی دیگر دین اسلام به عنوان آیینی فراگیر و بنیانی توانست نقشی هویت ساز در سرزمین های مفتوح ایفا کند. در هویت ایرانی- اسلامی، مؤلفه های «ایرانی بودن» و «مسلمان بودن» به هم پیوستند و ترکیبی درخشان و کارآمد ساختند؛ ترکیبی که توانست ایران و فرهنگ ایرانی را پرچم دار قرون میانه اسلامی کند.

هویت ایرانی- اسلامی در دوران جنگ تحمیلی در کانون توجه شاعران و هنرمندان قرار داشت؛ آنان می‌کوشیدند تا رزمندگان ایران را از یک سو به جنگجویان پاک‌باز حماسه ملی و از سوی دیگر با مجاهدان صدر اسلام مرتبط سازند. میدان جنگ ایران و عراق، گاه یادآور جنگ‌های ایران و توران و گاه تداعی‌گر، بدر، صفین و عاشورا بود. دل‌بستگی طبیعی مردم به سرزمین و آیینشان شاعران را به تقویت گفتمان هویت ایرانی- اسلامی علاقه‌مند می‌کرد. بر این اساس ارزش‌ها و آرمان‌های ایرانی و اسلامی (شیعی) مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک‌شناسی شعر دوران جنگ تحمیلی در سطح فکری است؛ شاعران دفاع مقدس «با تلفیق تفکر ایرانی با اندیشه‌های اسلامی به ویژه فرهنگ شیعه و نمادهای عاشورایی، هویتی مستقل برای شعر جنگ خلق کردند. شاعران با معرفی کردن دشمن به عنوان دشمن اسلام و قرآن، به دفاع از میهن، صبغه دینی دادند و دفاع از وطن را دفاع از دین و قرآن دانستند» (لک، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

نظام فکری اخوان ثالث

شناخت سبک شخصی شاعران بزرگ، کار بسیار دشواری است (شمیسا، ۱۳۷۳: ۷۶)، به ویژه شناخت نظام فکری و اندیشه‌های محوری آنان، به جهت تغییر یافت، قرار گرفتن در شرایط گوناگون و تطور اندیشه انسان، کاری سخت و پیچیده است. با این حال، می‌توان اندیشه‌های محوری و پررنگ شاعرانی بزرگ و پرکار چون *اخوان* را از میان اشعارشان دریافت (نک: امیری، ۱۳۹۲: ۳۴-۵۰). بعضی مضمون‌ها و درونمایه‌های اساسی در طول دوره شاعری *اخوان* در اشعار او مشهود است؛ این اندیشه‌ها و باورها را می‌توان بنیانی و محوری دانست و انحراف‌ها یا پیچش‌های احتمالی شاعر نسبت به آن را سنجید. *اخوان* شاعری سیاسی بود و این گرایش‌های سیاسی کار او را در زمان حکومت پهلوی به تنبیه و زندان کشاند. او در واقع بیش از آنکه فعال عرصه سیاست باشد، شعرش را با روزگار و وقایع آن درگیر کرد: «شعر او مدام از وقایع و حوادث سیاسی که در کشور می‌گذرد بارور می‌شود» (بهبهانی، ۱۳۸۸: ۷۱). *اخوان* خویش را شاعری «بر قدرت» و نه «با قدرت» می‌خواند؛ از نگاه او وظیفه شاعر، پرسشگری و به چالش کشیدن قدرت بود. این نگاه باعث شد تا *اخوان* در چشم هیچ یک از حکومت‌های دوران

زندگی‌اش چهره‌ای مطلوب و دل‌خواه نباشد؛ البته وضعیت او در دوران جمهوری اسلامی بسیار بهتر از عصر پهلوی بود؛ شاعر نیز مناسبات بهتری با حاکمان بعد از انقلاب داشت. در هر حال، *اخوان* در دوران پس از انقلاب نیز شاعر مورد تبلیغ و توجه حاکمیت نبود. شاید بتوان مهم‌ترین ویژگی فکری *اخوان* را «ایران‌دوستی» او دانست. شاعر خراسانی از کشورش به عنوان «پیر برنای جاوید» یاد می‌کند و می‌گوید، اگر چیزی را در این جهان «پوچ» دوست دارد، آن «ایران» است (اخوان ثالث، ۱۳۹۳: ۱۵۷). او خود را در اندیشه و روش، پیر و فردوسی بزرگ می‌داند می‌سراید:

«من از شهر اویم شناساش نیز / هم‌آوا و هم‌درد و همتاش نیز

به ایران‌پرستی، شعوبی‌گری / انیران‌گدازی و گندآوری» (همان: ۳۰۷)

همچنین باور دینی *اخوان* در اشعار او قابل مطالعه است. *اخوان* کیش خویش را «مزدشتی» می‌خواند (همان: ۱۳۱)، که ترکیبی از مزدایی و زرتشتی است. او بارها به پیامبر باستانی ایران ادای احترام می‌کند. با این حال شاعر خراسانی باورهای دینی اسلامی را نیز گرامی می‌شمارد. در تحلیل کلی، *اخوان* به نسبت شاعران جریان انقلاب اسلامی، وابستگی و هم‌راستایی سیاسی و ایدئولوژیک کم‌تری با گفتمان سیاسی مسلط دارد.

بررسی اشعار *اخوان* درباره جنگ تحمیلی

اولین دفتر شعر *اخوان* به نام «ارغنون» در سال ۱۳۳۰ش منتشر شد. در همان دهه، دو دفتر موفق «زمستان» و «آخر شاهنامه» منتشر شد که مهدی *اخوان* ثالث را به عنوان شاعری صاحب سبک و تأثیرگذار تثبیت کرد. *اخوان* در دهه‌های بعدی نیز دفترهایی منتشر کرد؛ آخرین دفتر او- که در این پژوهش مورد نظر است- در سال ۱۳۶۸ش، یک سال پیش از درگذشت شاعر منتشر شد؛ «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» دربردارنده شماری از اشعار دهه ۱۳۵۰ش و ۱۳۶۰ش است؛ برای یافتن اشعار *اخوان* ثالث درباره جنگ تحمیلی، باید به سراغ این دفتر رویم. در «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم»، سه شعر به صورت مستقیم با جنگ تحمیلی مرتبط است، این اشعار در ادامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

برگزیدن نام «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» برای آخرین مجموعه منتشرشده *اخوان*، گواه عشق و علاقه شاعر به میهن خویش است. از سویی دیگر، نمی‌توان تأثیر شرایط جنگ و تحریک احساسات میهنی بر این انتخاب را نادیده گرفت. انگیزه اصلی شاعر در سرودن اشعاری درباره جنگ تحمیلی، نگرانی برای ایران عزیز و کهن است؛ سرزمینی که شاعر عاشقانه آن را دوست دارد.

۱. کنون بنگر به خوزستان

نخستین شعر کتاب «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» درباره جنگ، در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ش سروده شده است. این شعر در پاسخ *اخوان* به شعری دیگر از خود، پس از ۱۰ سال نوشته شد. در شعر نخست، *اخوان* از آبادی و خرمی خوزستان می‌گوید و در شعر دوم- شعر مورد نظر ما- وضع خوزستان در دوران آشوب و جنگ را با حسرت گزارش می‌کند. *اخوان* در توضیح شعر می‌گوید: «یک سال و اندی بعد از جنگ تحمیلی جهان‌خواران غرب و شرق، به دلچکی و مباشرت صدام و صدامیان مزدور در تهران گفته شده است» (همان: ۶۲). شعر «کنون بنگر به خوزستان» واکنشی احساسی، حماسی و خردمندانه به جنگ است:

«کنون بنگر به خوزستان که بینی چووش و چنشدش / به خون آلوده کارونش، به بهمنشیر و ارونش

بر او تازان یکی تازی، به خونریزی و لجبازی / ددی مزدور غرب و شرق، با صد مکر و ترفندش

ز خونریزی خوش و خندان، مسلح تا بن دندان / عراق از او چنان زندان، گرفته عالمی گندش

درختی فاسد و شوم است و بارش بدتر از زقوم / به همت هم توان، هم باید از اعماق برکنندش»

حسرت و دریغای *اخوان* بر خوزستان خون‌آلود، برگرفته از عشق و وابستگی شاعر به سرزمینش است. تصویر خوزستان آباد در شعر دهه پیش شاعر و مقایسه‌اش با خوزستان گرفتار هجوم دشمن، تأسف‌آور و غم‌انگیز است. *اخوان* از آغاز شعر، علت ویرانی

خوزستان را جنگ‌طلبی صدامیان و بدسرشتی آنان می‌داند. او از صدام با عنوان «تازی»، «دد» و «مزدور غرب و شرق» یاد می‌کند و می‌کوشد به جنگ، چهره‌ای ملی و نژادی ببخشد. «تازان شدن تازی» در این شعر، نمود آشکار پیوند ایران معاصر با ایران باستان است، شاعر که پیش‌تر- در شعر آخر شاهنامه(نک: اخوان، ۱۳۸۲: ۷۵-۷۷)- دریغاگوی نابودی ایران باستان به دست قوای مهاجم عرب بود، این بار نیز دریغاگوی حمله صدام تا بن دندان مسلح به ایران است. *اخوان صدام* را نابودکننده عراق می‌داند و از او چهره‌ای ویرانگر برای جهان می‌سازد؛ چهره‌ای که «گند» وجودش جهان را گرفته است. در ادامه، حاکم جنگ‌طلب عراق را «درختی فاسد و شوم» می‌خواند که حاصلی جز آتش و عذاب ندارد.

گرچه اخوان دلبستگی معتقدانه به اسلام ندارد، به جهت بهره‌گیری از سنت‌های ادبی و قرار گرفتن در بافت هویتی اسلامی، از اصطلاحات دینی در این شعر بهره می‌برد؛ او صدام را درختی فاسد و شوم می‌شمرد که حاصلش بدتر از «زقوم» است. «زقوم» در قرآن درختی جهنمی است که میوه‌اش خوراک ساکنان دوزخ است. پیوند عناصر ملی و دینی در این شعر به آشکارگی دیده می‌شود. بهره‌گیری *اخوان* از اصطلاحی قرآنی برای کویدن «تازی تازان» گواه ظرافت رویکرد ایرانیان به حمله اعراب در صدر اسلام است؛ از دید ایرانیان، رفتار مهاجمان عرب نه تنها ربطی به دین اسلام ندارد، بلکه از نظر ارزشی، غیر اسلامی است.

اخوان در توضیحات شعر، صدام را «از نسل بنی‌امیه» می‌شمارد، جنگ او با ایران را ادامه جنگ اعراب و ایرانیان می‌داند و با دیدگاهی نژادگرایانه، اعراب را منافق و کافر می‌خواند؛ *اخوان* در اثبات ادعایش به تاریخ(برخورد بنی‌امیه و بنی‌عباس با ایرانیان و خاندان پیامبر) و حتی قرآن استناد می‌کند(اخوان، ۱۳۹۳: ۶۳). البته در نگاه *اخوان*، خشونت اعراب در وارد کردن اسلام به ایران، از حساب آیین و اندیشه اسلامی جدا است؛ او این خشونت را برآمده از نژاد مهاجمان می‌داند نه اعتقاد آنان و معتقد است اسلام از این گونه رفتارها بیزار است(اخوان، ۱۳۹۳: ۶۴)؛ او در ادامه می‌گوید:

«همین رزمنده نو اللهیان، الله اکبر گوی/ به لطف حق توانند از بن و بنیان برآرندش

به چنگ آریم با جنگ و به دست داد بسپاریم/ و خواهد دید او از داد فرجام
خوشایندش!

شهود دادگاه ما شهیدان و یتمانشان/ دگر آواره جنگی و جانباز و همانندش
ددک صدام بی‌دین را، نه دد، بل عنترک صدام/ به روی دار رقصانیم، با زنجیر یک
چندش»

در ادامه، شاعر می‌کوشد تا به سربازان ایران روحیه دهد؛ او رزمندگان سرزمینش را
سرباز خداوند و مورد توجه و عنایت الهی می‌خواند و پیروزی آنان بر صدام/دمنش و
بدکار را نزدیک می‌داند. اخوان به فداکاری و ایثار رزمندگان اشاره می‌نماید و آرزو
می‌کند تا صدام/درنده‌خو به زودی به دست داد سپرده شود. «داد» از مفاهیم بنیانی
ایران باستان است که در اندیشه اسلامی نیز جایگاهی ویژه دارد. /خون/ پیشاپیش حکم
دادگاه صدام را نیز صادر کرده است، او به طنز فرجام کار رهبر صفاک حزب بعث را
«خوشایند» می‌خواند. در دادستان /خون/، شهود دادگاه صدام، شهیدان و یتیمان‌اند. در
اینجا اشاره‌ای ظریف و شاعرانه به زنده بودن شهیدان می‌شود که اندیشه‌ای قرآنی است.
آرزوی شاعر آن است که متجاوز بعثی و یارانش - که آنان را دد و عنترک می‌خواند - را بر
دار داد، رقصان ببیند. اشاره به عنترک بودن صدامیان، تأکید بر آن است که آنان آلت
دست‌دانی دیگرند و برای آنان خوش‌رقصی می‌کنند؛ آرزوی شاعر آن است که این
خوش‌رقصی، به رقصیدن بر سر دار داد منجر و «فرجام خوش» ددمنشی و خون‌ریزی
داده شود:

«عرب را می‌کشد نامرد و می‌گوید عرب‌خواهم/ عجم بگذار و با دین عرب سی‌نسل
پیوندش

اگر رحمی نکرد او بر زن و فرزند ما مردم/ به راه خوی و خونس رفت و حزب لعنت
آوندش

تو ای آزاده ایرانی، شرفمند، از بنی الاحرار/ به راه «لا تزر» رو با زن و با اهل و
فرزندش

خوشا ملک عراق ما، که دارد اشتیاق ما/ خوشا دیرین میانرودان ما و اروند و مروندش

«امید» این لخته خون قلب تو می‌خواهد بگوید باز: / خوشا اقلیم خوزستان و چند و چون دل‌بندش» (همان: ۶۲)

اخوان به شدت از *صدام* بیزار است و او را نماد خشونت و جهالت می‌داند. در نگاه او، صدامی که به اعراب هم‌نژاد خود رحمی ندارد، هرگز به ایرانیان - که هم‌دین او هستند - رحم نخواهد کرد. از دید *اخوان* این بی‌رحمی از یک سو به «خوی و خون» و از سوی دیگر به دیدگاه سیاسی *صدام* و رویکرد حزب بعث برمی‌گردد. با این حال او که به پیروزی رزمندگان ایثارگر ایران در جبهه‌های نبرد ایمان دارد، پیشاپیش به عراق و میان‌رودان - بین‌النهرین که از سرزمین‌های ایران کهن است - سلام می‌کند و از رزمندگان ایران می‌خواهد تا هنگامی که بر عراق تسلط یافتند، مانند *صدام* رفتار نکنند و بر زن و فرزند آنان رحم نمایند؛ *اخوان* در اینجا باز هم از آموزه‌ای قرآنی مدد می‌جوید و با تلمیحی به آیه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»؛ «هیچ گناهکاری گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد» (زمر/ ۷) رزمندگان را به رفتار انسانی با مردم عراق فرا می‌خواند. در پایان، شاعر باز هم به سبک خود - ردّ المطلع - بر حال خوزستان دریغ می‌خورد.

شعر «کنون بنگر به خوزستان» سرشار از عاطفه و حماسه است. در این شعر، چشمان شاعر به حال سرزمینش می‌بارد و لبانش دشنام‌گوی متجاوز است. سبک حماسی و کوبنده شاعر به گونه‌ای مناسب و کارآ در خدمت تشویق نیروهای ایران و تضعیف و تخریب متجاوزان قرار گرفته است. اندیشه ایران‌دوستی در بیت‌بیت این شعر به چشم می‌آید و علاوه بر آن، شاعر از اصطلاحات و نگاهی اسلامی بهره می‌برد.

۲. رزمندگان ایران، به پیش

این شعر در بهمن ۱۳۶۰ش سروده شده است. گرچه دلیلی برای اولویت زمانی شعر قبلی بر این شعر نداریم، اما با توجه به قرارگیری آن پیش از این - البته توالی تاریخی در دفتر شعر *اخوان* همیشه رعایت نشده است - ابتدا به گزارش «کنون بنگر به خوزستان» پرداختیم. «رزمندگان اسلام به پیش» سروده‌ای حماسی برای تهییج و روحیه‌بخشی به نیروهای نظامی ایران در جنگ تحمیلی است. این شعر با انگیزش‌های هویتی آغاز می‌شود، پیش از آغاز، *اخوان* تک‌بیتی برای فضاسازی بهتر می‌آورد:

«ای رزم‌گران سخت بکوبید عرب را/ هم بصره و هم کوفه و بغداد جلب را»
نگاه نژادگرایانه/خون- که شبیه رفتار نژادپرستانه صدام است، اما پدافندی- کاملاً
ملموس و مشخص است. او انگیزه‌بخشی خود را بر اساس تکیه بر نزاع عرب- عجم و
دین- بی‌دینی نهاده است. در این قصیده پرشور می‌خوانیم:

«گرچه می‌بافند بهر شیرها زنجیرها/ بگسلند آخر همه زنجیرها را شیرها
این دلیرانِ نکو با بد چه جنگی می‌کنند/ همچو جنگِ شیرها با تیر و با شمشیرها
تیرهاشان باد یا رب، کاری و دشمن‌فکن/ سینه‌هاشان ایمن از آسیبِ تیغ و تیرها
چهره‌شان پیش از شهادت دیده‌ام، هم بعد از آن/ بود خشم‌آلود و آنگه راحت آن
تصویرها»

شاعر رزمندگان ایران را به شیرانی تشبیه می‌کند که زنجیرهای بافته شده را می‌درند
و گوهر خویش را می‌نمایانند. تشبیه سربازان ایرانی به شیر، علاوه بر دلالت‌های نمادین،
دلالت‌هایی ملی نیز دارد. در بیت دوم، شاعر جنگ را در تقابل «نیک و بد» تعریف
می‌کند که نگاهی برآمده از ایران باستان است؛ جدال همیشگی خوبی و بدی و نور و
تاریکی. در بیت سوم از خداوند مدد می‌جوید تا سربازان ایران از آسیب دشمن ایمن
باشند و بر آنان آسیب زنند. در بیت بعدی، خون از اصطلاح مذهبی و آیینی «شهادت»
بهره می‌برد و چهره سربازان را پیش از شهادت خشمگین و پس از آن آرام و آسوده
تصویر می‌کند؛ چراکه راه خود را به بهترین گونه به پایان برده‌اند. جاودانگی نام شهیدان
نیز نشانه همراهی شاعر از بافت و گفتمان مسلط است. این ابیات کاملاً تشویقی و
تهییجی هستند، شاعر می‌خواهد با زبانی حماسی و نمادین، رزمندگان ایران- شیران و
دلیران نیکو- را در برابر دشمن متجاوز تقویت کند:

«دیگر اکنون از جوانی‌مان خجالت می‌کشیم/ گرچه چندان بد نبودستیم ما هم،

پیرها

این شهیدان نامشان تا جاودان پاینده است/ زیرها بس گر زبر گردد، زبرها زیرها
نامشان چون تاجِ فخری بر سر این کشور است/ خامه زرین نویسد این به خطِ میرها
خیره سازد چشم گردون را فروغِ فخرشان/ می‌گذارد بر زمین زنده هم تأثیرها
ای دلیران وطن، با «زنده باد ایران» به پیش/ شور ایمان‌تان فزون‌تر باد و زور از شیرها

گرچه من «مَزْدَشْتِیْم»، اما به زندان نیز هم/ می‌گرفتم وجد و حال از شور این تکبیرها»

شاعر با یادآوری دلاوری‌های جوانان وطن، از جوانی خود- گرچه همواره در مبارزه با ستم بوده است- ابراز ندامت و خجالت می‌کند. در ادامه، *اخوان* باز هم به باور قرآنی «زنده بودن شهیدان پس از مرگ» (آل عمران / ۶۹) مورد تأکید قرار می‌گیرد. به گواهی شاعر، هرچه شود، نام این شهیدان تا پایان روزگار زنده و جاوید است و آنان را که در راه وطن جان داده‌اند، مرگ و فراموشی نیست. از دید او، ایثارگری درخشان شهیدان، چشم آسمان را خیره می‌کند و بر چرخش روزگار- به ویژه آدمیان- تأثیر می‌گذارد.

اخوان مایه انگیزه سربازان دلاور کشور را در نیروی ایمان و آرمان «زنده‌باد ایران» می‌داند و این همان دو بال اصلی هویت ایرانی- اسلامی است. شاعر گرچه به باورمندی خود به آیین‌های باستانی ایران اشاره می‌کند، از تأثیر روحیه‌بخش «تکبیر» بر خویش می‌گوید و امیدوار است این تکبیرها، سربازان ایران را در میدان به پیش برد. چنانکه می‌بینیم، *اخوان* تحت تأثیر بافت و شرایط، بیش از همیشه شاعری نزدیک به آرمان‌ها و باورهای اسلامی است. در ادامه شاعر نفرت خویش از صدامیان را بیان می‌کند:

«عنترک «صدام» را با دار و دسته بُزدلش / بر فرازِ دارِ رقصانیم، با زنجیرها
روستا و شهر و باغ و خانه ویران می‌کنند / روبه‌بان، وانگه گریزند از نبرد شیرها
خاکِ خود را پس بگیرد، ای دلیران وطن / از جهان‌خواران غرب و شرق و این

اکبیرها

این دغلِ دونانِ دشمن را برانید از وطن / با قوی‌تر رزم‌ها و برترین تدبیرها
مُلکِ خوزستان و دیگر جای‌ها گر شد خراب / باز آبادان شود، با بهترین تعمیرها
ای جوانان، فتح فرجامین بُود آنِ شما / من خورم سوگند بر پیغمبران و پیرها
این شهیدان، زخمیان را بیند آیا آسمان؟! / کر شود گوشِ زمین از صیحه آژیرها
غمِ مخور «امید» بی شک بُگسلند آخر ز هم / گرچه می‌بافند بهر شیرها زنجیرها»
(همان: ۱۳۴)

در ادامه قصیده، *اخوان* آرزو می‌کند تا صدام «عنترک» به زودی دست در زنجیر بر دار رقصان شود. او دشمن را روباه و رزمندگان ایران را شیر می‌خواند و از خداوند

برکندن ریشه خصم را می‌طلبید. شاعر در این ابیات بار دیگر به پشت پرده جنگ تحمیلی اشاره می‌کند؛ در نگاه او این تنها جنگ عراق با ایران نیست، بلکه دست ابرقدرتان شرق و غرب از آستین صدام بیرون آمده است. /خوان سربازان وطن را به بازپس‌گیری ایران از دشمنان جهان‌خوار- که آنان را اکبیر؛ زشت و پلشت می‌خواند- دعوت می‌کند. در پایان شاعر با اشاره به آسمانی بودن شهیدان، آرزو می‌کند که شیران ایران از زنجیرهای بافته دشمنان بگریزند و خانه خویش را پس گیرند.

«رزمندگان ایران به پیش»، چنانکه از نامش برمی‌آید، شعری کوبنده و تهییج‌کننده است. شاعر توانای خراسانی آنچه در تیردانش داشته را گرد آورده و بر سر دشمن باریده است. وزن، واژه‌گزینی و سبک حماسی، در این شعر اثرگذار و امیدوارکننده است. فراتر از آن، نظام فکری حاکم بر «رزمندگان ایران به پیش» کاملاً از فضای کشور و گفتمان هویتی حاکم که علایق ملی و دینی را توأمان مطرح می‌کند، تأثیر پذیرفته است.

۳. شهیدان زنده‌اند

«شهیدان زنده‌اند»، غزلی سوزناک و سوگوار برای شهیدان گلگون‌کفن جبهه‌های نبرد است. این غزل در اردیبهشت سال ۱۳۶۲ ش سروده شده است. /خوان در تقدیم شعر می‌گوید: «آن را برای خدای خود اهورامزدا گفته‌ام». این شعر بر خلاف دو سروده قبلی، زبانی حماسی و رویکردی تشویقی و تهییجی ندارد و بیش‌تر به مرثیه‌سرایی برای شهیدان وطن و تسکین خانواده‌هایشان می‌پردازد:

«از آن اردیبهشت اردیبهشت ست / که می‌گویند آوردی بهشت ست
دل‌م بگرفت از این اردی‌بهشتی / که در هر یک وجب صد لاله کشته‌ست
به سرخی‌برگش از خون شهیدان / سیه داغ دل مادر نوشته‌ست
«شهیدان زنده‌اند» آری ولی حیف / که تنه‌اشان به زیر خاک و خشت ست
جوان کشتن چرا؟ زیبا خدایا! / مکن این کارها را از تو زشت است
چرا کشتن؟ چه از دشمن چه از دوست / گرفتم اهل مسجد یا کنشت است
بیا یاد شهیدان زنده داریم / که خون‌شان راز سرخ سرنوشت ست
به مردی خاکشان از خون ما به / که مردی خاکشان با خون سرشت ست

دی است و دوزخ ای تقویم کم‌گوی / بهشت راستین اردیبهشت ست
 بنازم من شهیدان وطن را / که نام سرخشان تاج بهشت است» (همان: ۴۵)

اخوان شکوائیه‌ای از روزگاران می‌سراید که چرا بهاران و اردیبهشتش به خون جوانان وطن خضاب شده است. گله از بهاران، پیش‌تر در آثار ادبی متعددی - مانند «بهار غم‌انگیز» در «تاریخ جهان‌گشای جوینی» که گزارش بهار پس ایلغار مغول است (نک: جوینی، ۱۳۸۹: ۲۴۵) - آمده است و تکرارش توسط شاعر، به نوعی آن متون را تداعی می‌کند. /خوان از آن گله دارد که اردیبهشت بهشتین، با خون شهیدان و داغ مادران آمده است. او به شعار راهبردی و رسمی «شهیدان زنده‌اند» اشاره می‌کند و بر خفتن آن‌همه لاله در زیر خاک، دریغا می‌خورد. /خوان در این شعر با نگاهی انسانی به پدیده جنگ می‌نگرد و آن را بلایی برای هر دو سو می‌داند. او «کشتن» را به هر روی ناپسند و غم‌انگیز می‌خواند. /خوان در ابیات پایانی، از مردی و شجاعت رزمندگان می‌گوید و خون پاک آنان را «راز سرخ سرنوشت» ایران می‌داند؛ شهیدان با راه سرخی که پیموده‌اند، سرنوشت سرزمینشان را رقم زده‌اند. در نگاه شاعر - که به شدت از شهادت فرزندان ایران متأثر است - اردیبهشتی چنین، دی - نماد سرما و بی‌حاصلی - و دوزخ است و بهره‌ای از بهشت ندارد. در بیت پایانی، شاعر «شهیدان وطن» را تکریم می‌کند و حاصل شهادتشان را بهشت می‌داند؛ این شهیدان در بهشت تاج سرخی به رنگ خون پاکشان بر سر دارند.

شعر عاطفی و احساسی «شهیدان زنده‌اند» آخرین شعر مستقیم /خوان در ارتباط با جنگ است. او در غزل، بیش از آنکه به جنبه تشویقی و کارکردی شعر برای بسیج مردم در برابر متجاوز توجه کند، به کارکرد تسکینی شعر نظر دارد؛ از این رو زبان حماسی و کلمات سنگین، جایشان را به وزنی آرام‌تر و کلماتی نرم‌تر داده‌اند. با این حال نظام فکری حاکم بر دو شعر قبل، همچنان پابرجا و استوار است؛ شاعر باز هم شهیدان را بر اساس سنت قرآنی، زنده می‌خواند و آنان را جاودان و سعادتمند می‌داند.

نتیجه بحث

/خوان ثالث همواره خود را شاعری «بر قدرت» می‌خواند. او معتقد بود که آبش با قدرت‌مداران و حاکمان به یک جوی نمی‌رود و پیوسته در جایگاه منتقد و پرسشگر

خواهد ایستاد. با توجه به آنکه عمده فعالیت‌های ادبی *اخوان* در دوران حکومت پهلوی انجام شده است، می‌توان «بر قدرت بودن» را در آثار او به خوبی دید. م/م/مید، در پایان شعر نام‌ور و ماندگار «آخر شاهنامه»، آشکارا «مرگ دقیانوس» را آرزو می‌کند (اخوان، ۱۳۸۲: ۷۷) و شماری از آثار شاخصش را در زندان سروده است. پس از پیروزی انقلاب ارتباط *اخوان* با حاکمیت بهبود یافت اما باز هم در شمار شاعران مروج گفتمان حاکمیت به شمار نمی‌رفت و همیشه فاصله‌ای میان او و قدرت بود. اگر *اخوان* را با شاعران شاخص جریان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی - مانند قیصر/مین‌پور، حمید سبزواری یا سید حسن حسینی - قیاس کنیم، به تفاوت آشکاری عقیده و رفتار آنان در قبال نظام حاکم و گفتمان آن پی می‌بریم. با این حال، مطالعه اشعار *اخوان* درباره جنگ تحمیلی، گویای گفتمان‌ها و اندیشه‌های مشابه میان او و شاعران جریان انقلاب اسلامی است.

اخوان گرچه از شاعران مورد پسند و تبلیغ دستگاه‌های رسمی نیست و در بعضی مسائل بنیادین با گفتمان رسمی زاویه دارد، در اشعار مرتبط با جنگ تحمیلی، کاملاً هم‌راستا با روایت و گفتمان رسمی است. او هم بر جنبه‌های ملی و هم بر انگیزه‌های دینی برای تبیین وضعیت و تهییج رزمندگان بهره می‌برد. تأکید بر انگیزه‌ها و ارزش‌های دین اسلام، که در قالب تلمیح‌هایی به آیات قرآن و سنت‌ها و باورهای اسلامی دیده می‌شود، در اشعار دوره‌های قبل *اخوان* مشهود نیست؛ این هم‌راستایی نیروها یکی از کارکردهای مهم جنگ است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- اخوان ثالث، مهدی. ۱۳۸۲ش، *آخر شاهنامه*، تهران: مروارید.
- اخوان ثالث، مهدی. ۱۳۹۳ش، *تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم*، تهران: مروارید.
- بهار، محمدتقی. ۱۳۸۱ش، *سبک شناسی*، جلد اول، تهران: زوار.
- بهبهانی، سیمین. ۱۳۸۸ش، *یاد بعضی نفرات*، تهران: نگاه.
- پارسی نژاد، کامران. ۱۳۸۵ش، *جنگی داشتیم داستانی داشتیم*، تهران: صریر.
- جوینی، عطا ملک. ۱۳۸۹ش، *تاریخ جهان گشای جوینی*، تصحیح محمد قزوینی، جلد اول، تهران: فردوس.
- سبحانی، توفیق. ۱۳۹۵ش، *تاریخ ادبیات فارسی*، تهران: زوار.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۹۰ش، *ادوار شعر فارسی*، تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۷۳ش، *کلیات سبک شناسی*، تهران: فردوس.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۸۶ش، *سبک شناسی شعر*، تهران: میترا.
- وردانک، پیتز. ۱۳۸۹ش، *مبانی سبک شناسی*، ترجمه محمد غفاری، تهران: نی.
- یاحقی؛ محمدجعفر. ۱۳۸۸ش، *جویبار لحظه‌ها*، تهران: جامی.

مقالات

- امیری، سید محمد. ۱۳۹۲ش، «*درونمایه‌های مشترک در اشعار اخوان ثالث و ابوماضی*»، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۳۱-۵۱.
- پریز، عبدالقادر و عزیزی مراد، قاسم. ۱۳۹۷ش، «*اخوان و آدونیس، بین سنت و مدرنیته*»، مطالعات ادبیات تطبیقی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۹-۳۰.
- ذوالفقاری، حسن و رستمی، آمنه. ۱۳۹۸ش، «*مؤلفه‌های تصویر در غزل دفاع مقدس*»، بهار ادب، سال ۱۲، شماره ۳، صص ۱۶۱-۱۷۹.
- لک، منوچهر. ۱۳۸۴ش، «*هویت ملی در شعر دفاع مقدس*»، مطالعات ملی، شماره ۲۲، صص ۱۱۱-۱۲۲.
- ماهیار، عباس و شاه‌مرادیان، کامران. ۱۳۸۹ش، «*نگاهی به سبک اشعار نیمایی مهدی اخوان ثالث و تحولات عروض آن*»، بهار ادب، سال ۳، شماره ۲، صص ۱۸۳-۱۹۸.

Bibliography

Holy Quran.

Akhavan Sales, Mehdi. 2003, the end of Shahnameh, Tehran: Morvarid.

Akhavan Sales, Mehdi. 2014, I love you, ancient region, Tehran: Morvarid.

Bahar, Mohammad Taqi 2002, Stylistics, Volume One, Tehran: Zavar.

Behbahani, Simin 2009, the memory of some people, Tehran: Negah.

Parsinejad, Kamran. 2006, we had a war, we had a story, Tehran: Sarir.

Jovini, Atta Malek. 2010, History of Jahangshahi Jovini, edited by Mohammad Qazvini, Volume One, Tehran: Ferdows.

Sobhani, Tawfiq. 2016, History of Persian Literature, Tehran: Zavar.

Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. 2011, Persian Poetry Periods, Tehran: Sokhan.

Shamisa, Sirus. 1994, Generalities of Stylistics, Tehran: Ferdows.

Shamisa, Sirus. 2007, Poetry Stylistics, Tehran: Mitra.

Wardank, Peter. 2010, Fundamentals of Stylistics, translated by Mohammad Ghaffari, Tehran: Ney .

Ya Haghi, Mohammad Jafar, 2009, Streamlet of Moments, Tehran: Jami .

Articles

Amiri, Seyed Mohammad 2013, "Common themes in the poems of Akhavan Sales and Abu Mazi", *Studies in Comparative Literature*, Year 7, No. 27, pp. 31-51.

Pariz, Abdul Qader and Azizi Morad, Qasem. 2018, "Akhavan and Adonis, between tradition and modernity", *Comparative Literature Studies*, Volume 12, Number 46, pp. 9-30.

Zolfaghari, Hassan and Rostami, Amina. 2019, "Components of the image in the lyric of sacred defense", *Bahar Adab*, Volume 12, Number 3, pp. 161-179.

Lak, Manouchehr. 2005, "National Identity in the Poetry of Sacred Defense", *National Studies*, No. 22, pp. 111-122.

Mahyar, Abbas and Shahmoradian, Kamran. 2010, "Taking a Look at the Style of Nimai Poems of Mehdi Akhavan Sales and the Developments of Its Prose", *Bahar Adab*, Volume 3, Number 2, pp. 183-198.

Stylistics of Akhavan Sales's Poems about the Imposed War; Relying on the Intellectual Level

Reza Zarinkamar

Ph.D, Persian Language and Literature, Mazandaran University

Mohammad Mehdi Sayar

Ph.D, Philosophy, Faculty Member, Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution

Abstract

Poets who wrote about the imposed war are divided in two groups; the first group of poets are influenced by the trend of the Islamic Revolution, whose literary and artistic life was formed or highlighted during the Islamic Revolution and the imposed war. The second group consists of poets who had a significant reputation before the Islamic Revolution and wrote about the necessity and sense of duty about the imposed war. Mehdi Akhavan Sales is from the second group. Before the Islamic Revolution, he was a prominent poet and with the beginning of the war, he used his epic and artistic poetic language to save the country from foreign aggression. This study examines the poems of Akhavan Sales about the imposed war and analyzes them from a stylistic point of view- based on the intellectual level. The result of the research is that Akhavan, as a pro-Iranian and pioneer poet, in spite of his religious and political differences with the dominant discourse and poets of the Islamic Revolution, is remarkably close to the desirable identity model of the governance in his war poems

Keywords: Akhavan Sales stylistics poetry of the imposed war Iranian-Islamic identity.